
رابطه عملکرد خانواده با فرار دختران از منزل: مقایسه دو گروه از دختران فراری و غیرفراری شهر تهران در سال 1388¹

سمیه پیشکار*، دکتر محمد زاهدی اصل**

چکیده: مقاله حاضر ماحصل تحقیقی با عنوان "رابطه عملکرد خانواده با فرار دختران از منزل" (مقایسه دو گروه از دختران فراری و غیرفراری) است.

هدف: محقق در پی آن است که تفاوت عملکرد خانواده دختران فراری با عملکرد خانواده دختران غیرفراری را به لحاظ ویژگی‌هایی چون حل مسئله، ارتباطات، نقش‌های خانوادگی، پاسخگویی عاطفی، مشارکت عاطفی و کنترل رفتار، کارایی عمومی خانواده مقایسه کند.

روش‌شناسی: جامعه آماری تحقیق، شامل دو گروه از خانواده‌های دختران فراری و غیر فراری (گروه‌های آزمایش و گواه) بود. روش تحقیق، توصیفی از نوع پس رویدادی (علی مقایسه‌ای) است. ابزار تحقیق، مبتنی بر الگوی مک‌مستر برای سنجش عملکرد خانواده است (FAD) و 53 ماده دارد که بر همین اساس تدوین شده است. شیوه نمره‌گذاری هم بدین صورت بود که به هر سوال از 1 تا 4 نمره داده شد.

نتایج: نتایج تحقیق نشان داد بین عملکرد کلی خانواده دختران فراری با عملکرد کلی خانواده دختران غیر فراری تفاوت معناداری وجود دارد و از میان هفت خرده‌مقیاس عملکرد کلی خانواده، اختلاف میانگین بین دختران فرار و غیر فرار در خرده‌مقیاس کارایی عمومی خانواده و مشارکت عاطفی بیش از سایر خرده‌مقیاس‌ها و کمترین اختلاف میانگین در گروه آزمایشی و گواه مربوط به خرده‌مقیاس نوع ارتباطات است و دختران فراری و خانواده‌های شان در سازه‌های کارایی عمومی خانواده و ایفای نقش‌های خانوادگی عملکردی پایین‌تر از هنجار جامعه دارند.

کلیدواژه‌ها: عملکرد خانواده، دختر فراری، دختر غیرفراری.

1. برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان: بررسی رابطه عملکرد خانواده با فرار دختران از منزل. استاد راهنما: دکتر محمد زاهدی اصل، استاد مشاور: دکتر اکبر شریفیان. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی. 1388، تهران.

* کارشناس ارشد، مددکاری اجتماعی، کارشناس امور اجتماعی شهرداری تهران، سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی، تهران. pishkar86@gmail.com

** استاد و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

مقدمه

خانواده طبیعی‌ترین و مشروع‌ترین واحد تولید مثل و فراگیرترین واحد اجتماعی به شمار می‌آید، زیرا همه اعضای جامعه را در بر می‌گیرد. خانواده دارای اهمیت تربیتی و اجتماعی است. افراد از درون خانواده گام به عرصه هستی می‌نهند و جامعه نیز از تشکل افراد هستی و قوام می‌یابد و از آنجا که نهاد خانواده، مولد نیروی انسانی و معبر سایر نهادهای اجتماعی است، از ارکان و نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می‌رود. بهنجاری یا نابهنجاری جامعه در گرو شرایط عمومی خانواده‌هاست و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نمی‌آید. به همین ترتیب نیز هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند مگر آنکه از خانواده ای سالم برخوردار باشد (حمیدی، افروز، کیامنش و رسول زاده طباطبایی، 1383: 116).

متأسفانه در سال‌های اخیر ساختار تربیتی و اخلاقی در بسیاری از جوامع رو به سستی می‌رود. کارشناسان خانواده و متخصصان روانشناسی اجتماعی معتقدند ریشه‌های این تزلزل را باید در خانواده‌های بی‌ثبات جستجو کرد (نوابی نژاد، 1379: 42). فرار از خانه نیز معمولاً به دنبال یک دوره طولانی تعارضات شدید خانوادگی رخ می‌دهد. اکثر فراری‌ها مشکلات شدیدی را در خانه تجربه کرده‌اند، اما آنهایی که بیشتر از یک بار از خانه فرار کرده‌اند، شدیدترین مشکلات را داشته‌اند.

سست شدن روابط عاطفی حاکم بر خانواده، پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، شکاف بین نسلی، بیکاری، فقر، مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ زمینه مناسبی برای گسترش آسیب‌های اجتماعی فراهم آورده است. امروزه فرار از منزل به عنوان یک آسیب اجتماعی، موجب ایجاد نگرانی در اکثر جوامع و خانواده‌ها، به خصوص جوامع در حال پیشرفت شده است. فرار یعنی ترک محیطی که در آن دست یافتن به تمایلات، نیازها و خواسته‌های طبیعی غیرممکن و شرایط آن برای فرد نامطلوب است و فرد قادر به تغییر آن نیست (زواره‌ای، 1380: 44).

پدیده فرار از خانه خواه یکی از علل یا نابهنجاری‌های اجتماعی باشد یا معلول آن، نتیجه تعامل ناکارآمد بین اعضای خانواده است. پیامدهای سوء فرار نه تنها بر پیکر اجتماع، بلکه بر خانواده و بر تمامی کسانی که به نوعی با خانواده در ارتباط‌اند، اثر می‌گذارد.

بررسی 260 کودک متواری تحویل شده به خانواده توسط خانه سبز نشان داد که حداکثر زمان غیبت از خانه چهار سال و حداقل یک هفته بوده و گروه بسیاری از خانواده‌ها اعلام داشته‌اند که هزینه سنگینی برای یافتن فرزند خویش متحمل شده‌اند؛ در میان این گروه 25

نفر از یک تا سه بار در کانون اصلاح و تربیت اقامت داشته‌اند. آمارهای دیگر همچنین نشان می‌دهد که 82 درصد دختران فراری تمایلی به بازگشت به خانه‌هایشان ندارند و میانگین سن آنها 9 تا 17 سال است. در نتیجه، فرار دختران به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است (سند ملی کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور).

طرح مسأله

توزیع فراریان از منزل طی سال‌های 1381-1375 در کل کشور نشان می‌دهد که تعداد دختران فراری 28 درصد افزایش داشته است. در سال 1375 تعداد آنان 490 بوده و با نرخ رشد متوسط سالیانه 15/38 درصد به 1156 رسیده است که نشان دهنده رشد 3 برابر است. طبق گزارش دفتر امور اجتماعی وزارت کشور در زمینه فرار دختران در سال 1387، بیشتر آمارها مربوط به شهرهای تهران، قم و سمنان است. براساس تحقیقی که در تیر ماه 1387 کار گروه فرار از خانه در همایش اسلام و آسیب‌های اجتماعی ارائه داد، نرخ فرار دختران در این شهرها، 7 مورد در 100 هزار نفر بوده، در حالی که کمترین آمار فرار دختران مربوط به شهرهای سیستان و بلوچستان، ایلام و لرستان با حداکثر 7/ درصد در 100 هزار نفر جمعیت بوده است (ضمیمه 9، 1388).

امروزه هر تحقیقی که در زمینه فرار دختران از منزل صورت گرفته است، رابطه نزدیک را بین بی‌ثباتی محیط زندگی خانواده و اجتماع دختران و روابط ناسالم و بسیار خشن در خانه و خانواده با فرار دختران را نشان داده است. مهم‌ترین ریشه رشد شخصیت را باید در خانواده و روابط بین والدین و فرزندان جستجو کرد. تحقیقات و شواهد بسیار گویای این واقعیت است که بسیاری از دختران فراری در کانون خانوادگی ناسالم یا متلاشی شده زندگی می‌کنند. این موضوع اهمیت خانواده را برای ما روشن می‌کند در حالی که، بررسی ساختار و عملکرد خانواده از جمله مواردی است که کمتر بدان توجه شده است. خانواده به سبب جایگاه ویژه خود در جامعه اولین نهاد اجتماعی است که روشهای سازگاری را به کودک می‌آموزد و کودک از طریق تعامل و ارتباط با دیگر اعضای خانواده در جهت اجتماعی شدن گام بر می‌دارد. همچنین اکثر جامعه‌شناسان و روان‌شناسان ریشه اصلی آسیب‌های اجتماعی از جمله فرار دختران از منزل را عملکرد خانواده می‌دانند و معتقدند خانواده به عنوان کوچک‌ترین اجتماع بشری ساختاری دارد که عناصر درون آن به شدت به هم وابسته‌اند و اگر در این نظام مشکلی ایجاد شود کل

نظام را دگرگون خواهد ساخت. بنابراین سازگاری و تفاهم بین همه اعضا ضروری است. با توجه به نکات مهمی که مطرح شد به عمق مسئله پی می‌بریم و در می‌یابیم که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین عاملی که زندگی ما انسان‌ها را به سوی سعادت و شقاوت سوق می‌دهد خانواده است. لذا سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که "آیا بین عملکرد خانواده دختران فراری با عملکرد خانواده دختران غیرفراری تفاوت معناداری وجود دارد؟"

هدف اصلی تحقیق

شناخت رابطه عملکرد خانواده با فرار دختران از منزل از طریق شناسایی تفاوت عملکرد خانواده دختران فراری با عملکرد خانواده دختران غیر فراری به لحاظ ویژگی‌هایی چون: حل مسئله، ارتباط، نقش‌های خانوادگی، پاسخگویی عاطفی، دخالت عاطفی، کنترل رفتار.

چارچوب نظری تحقیق

پارسونز شخصیت را یک نظام کنش می‌داند. چنین برداشتی ایجاب می‌کند که شخصیت به ساز و کارهای یگانه شدن (توانایی جذب شدن در عناصر دیگر و جذب کردن عناصر دیگر) مجهز باشد تا هم جزیبی از کنش می‌شود و هم در وضعیت‌های گوناگون به کنش جهت دهد. با این وصف، نظام شخصیت را می‌توان از دو وجه متکامل، یکی رفتار و دیگری یادگیری، مورد بررسی قرار داد. غالباً هر رفتاری فرصتی برای یادگیری فراهم می‌کند و یادگیری نیز به رفتار جهت می‌دهد (پارسونز، 1376: 169). پارسونز منشأ هر رفتار را آمادگی‌هایی می‌داند که انگیزه‌های کنش را می‌سازند. آمادگی‌ها آن گونه که پارسونز تعریف می‌کند اکتسابی‌اند نه موروثی. این آمادگی‌ها به تدریج توسعه می‌یابند و به موجب اصل فرق‌گذاری پیوسته تعدادشان افزوده می‌شود. تعداد این آمادگی‌ها در دوران کودکی کم است، ولی به تدریج با بلوغ شخصیت تعدادشان زیاد می‌شود (همان: 169).

از عواملی که در دامن زدن به انحرافات مؤثرند اختلافات خانوادگی‌اند و مسائلی که در این مورد قابل طرح هستند، عبارت‌اند از:

- نزاع و درگیری زن و شوهر و بگومگوهای آنان در حضور فرزندان و نگرانی برای از هم پاشیدگی زندگی
- تضادهای فکری و عقیدتی اعضای خانواده که سبب پیدایش جدایی‌هاست.

- اختلاف روش انضباطی والدین در مورد با کودک.
- اختلاف در مبانی اخلاقی که شرایط نامطلوبی برای فرد فراهم می‌آورد.
- اختلاف در پذیرش یا نفی ارزش‌هایی که سبب پیدایش ناامنی‌های فرهنگی می‌شود.
- وجود مسائلی چون متارکه، طلاق، اعتیاد و ...
- کیفیت روابط زوج‌ها، والدین و فرزندان از لحاظ وجود تضاد یا ناهماهنگی (طبرزدی، 1382: 52)

مشاجرهای دائمی بین پدر و مادر یا سایر افراد خانواده موجب ایجاد اختلال در تعادل عاطفی فرد می‌شود و عامل اضطراب و ترس دائمی است، زیرا کودک همواره در این نگرانی به سر می‌برد که مشاجرها او را از محبت یکی از والدین محروم کند، از طرف دیگر نمی‌داند حق را به کدام یک از آنها بدهد. اگر به هیچ یک توجه نکند مانند آن است که از محبت هیچ یک برخوردار نیست، پس به ناچار می‌کوشد گفته‌های یکی از آنها را باطناً تصدیق کند، اما این انتخاب برای او مشکل است و او را در کشمکش روانی قرار می‌دهد و اگر به یکی از آنها حق بدهد، بی‌اختیار به دیگری بی‌مهر می‌شود، در دلش عقده‌ای به وجود می‌آید که چه بسا ممکن است خطرناک باشد. تشنج در محیط خانوادگی منجر به تشویش، فشار روانی، ناامنی و میل به ارزیابی جهان به عنوان جای ناامن و خطرناک در کودکان می‌شود (شعاری نژاد، 1373: 35).

مشکلی که در بعضی از خانواده‌ها به چشم می‌خورد وجود نوعی طلاق روانی است، یعنی با اینکه خانواده از نظر روانی و درونی از همدیگر جدا نیستند، روابط آنها سرد و خشک همراه با تهدید و گاه توبیخ و اهانت است. در چنین خانواده‌ای، نوجوان احساس می‌کند که به خانواده خود تعلق ندارد و آنها را الگوی خوبی برای تبعیت نمی‌داند و به رفتارهای متعارض و ناسازگارانه‌ای مثل فرار از خانه کشانده می‌شود (احمدی، 1375: 52).

تعارض بین اعضای خانواده بر وحدت و یگانگی آن لطمه می‌زند. شدت تعارض موجب بروز نفاق، پرخاشگری و ستیزه‌جویی و سرانجام انحلال و زوال خانواده می‌شود. کانون خانوادگی سرشار تعارض، نفاق و جدال بین پدر و مادر آثاری در روان کودک می‌گذارد که چندین سال بعد به صورت عصیان جوانی و سرکشی از مقررات اجتماعی بروز می‌کند.

پائول لندیس، در مطالعه خود نشان داده است که جوانانی که درگیر مسائل شخصی و ناسازگاری‌اند بیشتر در خانواده‌های پر مشاجره زندگی کرده‌اند تا خانواده‌هایی که به علت مرگ یا طلاق گسسته شده‌اند. براساس تحقیقات متعدد روان‌شناسی، مشاجرها و درگیری‌های

شدید و مستمر پدر و مادر در خانواده، حتی بیشتر از جدایی والدین به فرزندان آسیب می‌رسانند و باز بر پایه همین بررسی‌ها، فرزندان خانواده‌هایی که پدر و مادر از یکدیگر جدا شده‌اند یا همیشه اختلاف شدید داشته‌اند نسبت به کودکان سایر خانواده‌ها با مشکلات تحصیلی، عاطفی، اجتماعی و حتی ذهنی بیشتری روبرو بوده‌اند (قاسم زاده، 1380: 62). پدر و مادر اولین کسانی هستند که زیر بنای شخصیت سالم یک نوجوان را می‌سازند، به طور معمول ارتباط متقابل بین والدین و فرزندان در دوران بلوغ کاهش می‌یابد، زیرا یک سلسله تغییرات طبیعی در نوجوان رخ می‌دهد (دوری از فعالیتهای خانوادگی، کاهش ارتباط با خانواده، سپری کردن بیشتر اوقات با دوستان در خارج از خانه) برخی از والدین رفتارهای ناشایست و اشتباهات فرزندانشان را بیش از رفتارهای شایسته و موفقیت‌های آنان مورد توجه قرار می‌دهند. این رفتار در دوران بلوغ فرزندان بیشتر ظاهر می‌شود و نوجوانان شکایت دارند که والدینشان صرفاً برای ایراد گرفتن یا نصیحت کردن با آنها گفتگو می‌کنند. این مسأله در اثر کاهش ارتباطات متقابل بین والدین و فرزندان شدیدتر می‌شود (فونشل دی، 1380؛ به نقل از فتحی: 111). معمولاً والدین نوجوانان خود را هنوز کودک تصور می‌کنند، گویی گذشت زمان تغییری در آنها نداده است، درک نکردن نوجوانان باعث کشمکش بین آنان و والدین می‌شود. نوجوانان به خود حق می‌دهند که در مسائل مربوط به خانه اظهارنظر کنند و افکار و عقاید و اعمال خانواده را مورد سؤال قرار دهند. نوجوان آن کودک سر به راه قبلی نیست و در مقابل تحکم و دستورات والدین مقاومت می‌کند.

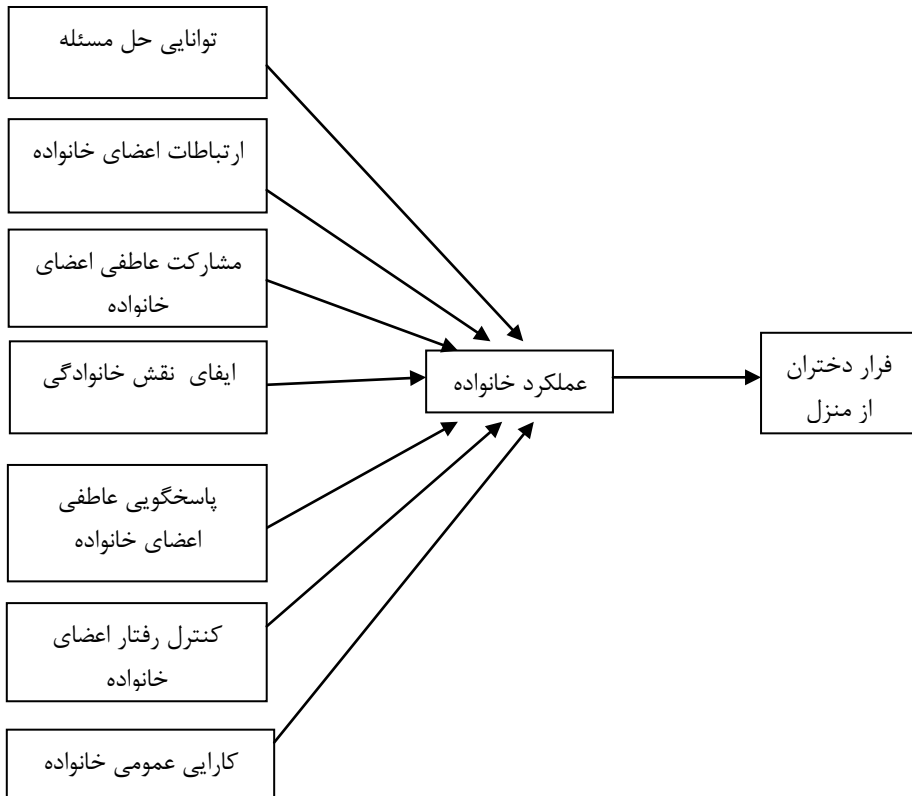
در هنگام بحران هویت، نوجوان دچار تضادها و کشمکش‌های ضد و نقیض است. او ضمن اینکه به پدر و مادر علاقه دارد، به دلیل امر و نهی‌های مکرر نیز از آنها تنفر دارد. از نظر اقتصادی هم به آنان وابسته است و هم می‌خواهد مستقل عمل کند و با آنها مخالفت می‌کند. این تضادهای درونی به رفتارهای ضد و نقیض می‌انجامد و باعث رفتارهای خصمانه والدین می‌شود. اگر والدین این بحران درونی و تضادها را درک نکنند و نتوانند با نوجوان به تفاهم برسند، این تضادها به عصیان و سرکشی تبدیل می‌شود (احمدی، 1377: 29).

والدینی که بیش از توان و استعداد کودکان از آنها انتظار دارند، یا آزادی و ابتکارشان را محدود می‌سازند و مقررات خشک و سختی را به آنان تحمیل می‌کنند، روح پرخاشگری و عصیان را در آنان تقویت می‌کنند، در این حالت است که کودک کینه پدر و مادر را به دل می‌گیرد و نه تنها به مقررات خانواده، بلکه به قراردادهای و مقام‌های اجتماعی نیز بدبین و

خرده‌گیر می‌شود و در همین دوره است که پایه‌های جامعه‌سنجی و بزهکاری نوجوانان ریخته می‌شود (پارسا، 1375: 216). اختلاف بین والدین و نوجوانان در حدود 14 یا 15 سالگی به نقطه اوج خود می‌رسد (کندل، 1972: به نقل از فتحی: 53). بیشتر تعارض‌ها در مورد مسائلی نظیر سبک لباس پوشیدن، اندازه مو و نوع موسیقی‌های مورد علاقه است (کلمن، 1978: به نقل از فتحی: 53).

در مبحث چارچوب مبانی نظری تحقیق از مدل‌های ارزیابی عملکرد شامل: مدل ساختی، چند مختصاتی، بیورز، مک مستر، نظریه‌های ارتباطات ساترلند، جامعه‌پذیری پارسونز، نظریه سیستمی خانواده، سالیوان و غیره نام برده شد و چارچوب اصلی تحقیق که مدل ارزیابی عملکرد خانواده مک مستر است شرح داده شد. با توجه به اینکه فرضیه‌های این تحقیق برگرفته از مدل مک مستر است، چارچوب نظری نیز همان مدل ارزیابی عملکرد خانواده مک مستر در مورد ویژگی‌های سیستم خانواده و برخوردهای سیستمی و تبادل اعضای خانواده است و برای بررسی تفاوت بین عملکرد خانواده در خانواده‌های دختران فراری و عملکرد خانواده در خانواده‌های دختران غیر فراری از آن استفاده شده است. در مدل مک مستر عملکرد کلی خانواده شامل شش بعد توانایی حل مسئله، ارتباطات اعضای خانواده، مشارکت عاطفی اعضای خانواده، ایفای نقش خانوادگی، پاسخگویی عاطفی اعضای خانواده، کنترل رفتار اعضای خانواده است. نمودار زیر روابط علی بین متغیر مستقل عملکرد خانواده با متغیر وابسته فرار دختران از منزل را نشان می‌دهد.

مدل نظری تحقیق



روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه توصیفی و از نوع پس رویدادی (علّی مقایسه‌ای) است و برای تدوین مبانی و چارچوب نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) بهره گرفته و به مرور منابع و تحقیقات پیشین پرداخته ایم.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

بین عملکرد کلی خانواده دختران فراری با عملکرد کلی خانواده دختران غیرفراری تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی

1. بین توانایی حل مسئله در خانواده دختران فراری با توانایی حل مسئله در خانواده دختران غیرفراری تفاوت معناداری وجود دارد.
2. بین کنترل رفتار در خانواده دختران فراری با کنترل رفتار در خانواده دختران غیرفراری تفاوت معناداری وجود دارد.
3. بین پاسخگویی عاطفی در خانواده دختران فراری با پاسخگویی عاطفی در خانواده دختران غیرفراری تفاوت معناداری وجود دارد.
4. بین ایفای نقش در خانواده دختران فراری با ایفای نقش در خانواده دختران غیرفراری تفاوت معناداری وجود دارد.
5. بین ارتباطات اعضای خانواده دختران فراری با ارتباطات اعضای خانواده دختران غیرفراری تفاوت معناداری وجود دارد.
6. بین مشارکت عاطفی در خانواده دختران فراری با مشارکت عاطفی در خانواده دختران غیر فراری تفاوت معناداری وجود دارد.
7. بین کارایی عمومی خانواده در خانواده دختران فراری با کارایی عمومی خانواده در خانواده دختران غیرفراری تفاوت معناداری وجود دارد.

تعریف عملیاتی مفاهیم

عملکرد خانواده

در این پژوهش ارزیابی عملکرد خانواده مبتنی بر الگوی مک مستر بوده که خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین کرده است و هفت بُعد از عملکرد خانواده را می‌سنجد که شامل حل مشکل، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، مهار رفتار، ارتباطات و کارایی عمومی خانواده است.

دختران فراری

در این پژوهش به دختران 15-19 ساله ای اطلاق می شود که بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خانه یا محل اقامت خود را ارادی ترک کرده و پس از ترک منزل از طریق مراجع قضایی یا به صورت خودمعرف به مراکز مداخله در بحران بهزیستی شهر تهران ارجاع داده شده اند.

ابزارگردآوری داده ها

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پرسشنامه بهره جستیم. ابزارگردآوری داده ها، پرسشنامه سنجش خانواده مک مستر¹ (FAD) است که 53 ماده دارد و برای سنجیدن عملکرد² خانواده براساس الگوی مک مستر تدوین شده است. این ابزار را اپشتاین، بالدوین و بیشاب³ در 1983 با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تدوین کرده اند و توانایی خانواده از نظر سازش با حوزه وظایف خانوادگی با یک مقیاس خود گزارش‌دهی، اندازه گیری می‌کند. ارزیابی خانواده در این مدل، مبتنی بر روش مشکل محوری⁴ است و بر کارایی خانواده، نه مرحله رشد فعلی یا مراحل رشد آن در گذشته، تأکید می‌شود. در پژوهش حاضر از فرم 60 سؤالی استفاده شده است، در حالی که مطالعات اولیه مبتنی بر یک مقیاس 53 سؤالی بوده اند. هفت سؤال اضافه شد و نتایج گزارش‌ها نشان می‌دهد اعتبار خرده مقیاس‌هایی که سؤال‌ها به آنها اضافه شده، افزایش یافته است. فرم 53 سؤالی این مقیاس را نجاریان، ملائقی و نوروزی در ایران مورد استفاده قرار داده اند (اپستاین، بالدوین و بیشاب، 1983). در پرسشنامه ای که اپشتاین و همکاران (1983)، تهیه کردند با ضریب آلفای خرده مقیاس‌ها از 0/72 تا 0/92 است و بنابراین از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است (ثنایی، 1379: 13).

جامعه آماری

جامعه آماری را دو گروه خانواده دختران فراری و خانواده دختران غیر فراری تشکیل دادند. بدین صورت که جامعه آماری خانواده دختران فراری، کلیه خانواده‌های دختران فراری هستند که دخترانشان در فاصله زمانی اول دی ماه سال 1388 تا نیمه اول بهمن ماه همان سال از خانواده خود فرار کرده‌اند و در مراکز مداخله در بحران بهزیستی شهر تهران حضور داشته اند. جامعه آماری دوم، کلیه خانواده‌های دختران غیرفراری هستند که دخترانشان در فاصله زمانی اول دی ماه سال 1388 تا نیمه اول بهمن ماه همان سال از خانواده خود فرار نکرده‌اند.

شیوه نمونه گیری

انتخاب دختران فراری به روش نمونه در دسترس شامل سرشماری کلیه دخترانی است که در

1. Family Assessment Devise (FAD)
2. Functioning
3. Epstein, Baldwin and Bishop
4. Problem Central

فاصله زمانی اول دی سال 1388 تا نیمه اول بهمن ماه همان سال به صورت خودمعرف یا توسط مراکز قضائی و انتظامی به مراکز مداخله در بحران بهزیستی شهر تهران مراجعه نموده‌اند. گروه دختران فراری با توجه به دو ویژگی سن و قومیت به روش هم‌تاسازی با گروه دختران غیر فراری انتخاب شده‌اند و از نظر دو ویژگی فوق این دو گروه کاملاً با هم مشابهت دارند. **تعداد جمعیت مورد مطالعه** 150 نفر از دختران 15-19 سال است که شامل دو گروه دختران فراری (75 مورد) و دختران غیر فراری (75 مورد) می‌شود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق واحد تحلیل خانواده و واحد مشاهده، دختران فراری (دختر فرار کرده از خانواده) و دختران غیر فراری (دختر فرار نکرده از خانواده) است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است و اطلاعات گردآوری شده در سه سطح توصیفی، تبیینی و تحلیل چند متغیری با فنون مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در توصیف داده‌ها از جداول یک بعدی و شاخص‌های پراکندگی و مرکزی به تناسب سطح سنجش متغیرها استفاده شده است. در سطح دوم نیز برای **آزمون فرضیه‌های پژوهش** از ابزارهایی مانند جداول دو بعدی، آزمون تی استیودنت، آزمون خی دو، تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش یکباره استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌ها در دو بخش کلی توصیف و تبیین ارائه شده‌اند. در بخش توصیف از جداول، نمودارها و شاخص‌های آماری و در بخش تبیین نیز از جداول دو بعدی، آزمون تی استیودنت، آزمون خی-دو، تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش یک باره استفاده شده است. لذا در این بخش از مقاله ابتدا یافته‌ها به صورت توصیفی و سپس نتایج تبیینی و آزمون فرضیه‌ها مطرح خواهد شد.

نتایج توصیفی

- 21/5 درصد از دختران فرار و غیرفرار، 15 ساله، 24 درصد 16 ساله، 21/5 درصد 17 ساله، 21/5 درصد 18 ساله و 12/5 درصد 19 ساله‌اند و این امر در هر دو گروه یکسان است، چرا که متغیر سن، یکی از متغیرهای کنترل در پژوهش حاضر است.

- میانگین سنی دختران فرار و غیر فرار مورد مطالعه، 16/7 سالگی و میانه نیز 17 سالگی است که تقریباً با میانگین یکسان و بدین معنا است که متغیر سن، توزیع برابری دارد. بیشترین گروه سنی مشاهده شده، 16 ساله ها هستند. انحراف معیار متغیر سن، 1/7 سال و بدین معناست که تمامی دختران فرار و غیر فرار، در کل 1/7 سال با هم اختلاف سنی دارند. از آنجا که متغیر سن، یکی از متغیرهای کنترل است، هم گروه آزمایش و هم گروه کنترل، از این لحاظ وضعیت مشابهی دارند.
- 95 درصد سرپرست خانوارهای دختران فرار دارای مشاغل ساده و 5 درصد دارای مشاغل نیمه ماهر هستند. 57 درصد سرپرست دختران غیر فرار در مشاغل ساده، 33/5 درصد در مشاغل نیمه ماهر و 9/5 درصد در مشاغل ماهر مشغول به کار هستند.

نتایج تبیینی

همان طور که در ابتدای یافته‌های تحقیق اشاره شد، پس از نتایج توصیفی به نتایج تبیینی پرداخته خواهد شد. لذا در این بخش نتایج آزمون فرضیه ها مطرح خواهد شد.

نتیجه آزمون فرضیه شماره 1: به نظر می رسد توانایی حل مسأله در خانواده دختران فراری و خانواده دختران غیر فراری تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره 1: مقایسه دو گروه دختران فرار و غیر فرار از نظر میزان توانایی حل مساله

سطح معناداری	df	T	دختران غیر فرار			دختران فرار		
			تعداد	میانگین حل مسأله	انحراف استاندارد	تعداد	میانگین حل مسأله	انحراف استاندارد
0/000	148	11/934	75	12	2/9	75	17/7	2/9

همان طور که جدول فوق نشان می دهد، میانگین نمره متغیر مستقل توانایی حل مسأله در خانواده دختران غیر فرار، 17/7 و در خانواده دختران فرار 12 است که اختلاف میانگین حاصله با عدد 5/7 معنادار می نماید، چرا که مقدار آزمون T محاسبه شده (11/934) در سطح خطای

0/05 معنادار می‌نماید. لذا، با 95 درصد اطمینان می‌توان گفت که بین دختران غیر فرار و دختران فرار از لحاظ میزان توانایی اعضای خانواده در حل مسأله تفاوت معناداری وجود دارد و خانواده های دختران غیر فرار نسبت به خانواده های دختران فرار توانایی مؤثرتری در حل مسائل و مشکلات دارند. در محاسبه جمع نمرات این مقیاس، کسب نمره بالاتر نشانگر توانایی کمتر خانواده در حل مسائل است.

نتیجه آزمون فرضیه شماره 2: به نظر می‌رسد بین نوع ارتباطات در خانواده دختران فراری با نوع ارتباطات در خانواده دختران غیر فراری تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره 2: آزمون T جهت بررسی تفاوت مقایسه دو گروه دختران فرار و غیر فرار از نظر نوع ارتباطات اعضای خانواده

سطح معناداری	df	T	دختران غیر فرار				دختران فرار	
			انحراف استاندارد	میانگین نوع ارتباطات	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین نحوه ارتباطات کلامی	تعداد
0/000	14 8	-7/548	2/8	15	75	3/3	18/8	75

میانگین نمره خرده مقیاس نحوه ارتباطات کلامی در خانواده دختران غیرفرار، 15 و در خانواده دختران فرار 18/8 است که اختلاف میانگین حاصله (3/8-) معنادار است چرا که آزمون T محاسبه شده (7/548-) در سطح خطای 0/05 معنادار است. لذا با 95 درصد اطمینان می‌توان گفت که بین دختران غیر فرار و دختران فرار، تفاوت معناداری از لحاظ نحوه ارتباطات اعضای خانواده وجود دارد و خانواده های دختران غیر فرار نسبت به دختران فرار، بیشتر از ارتباطات آشکار و صریح استفاده می‌کنند، چرا که در خرده مقیاس حاضر، کسب نمره 7 بیانگر بیشترین ارتباط مؤثر (آشکار و صریح) و کسب نمره 28 بیانگر بیشترین ارتباط غیرمؤثر (پوشیده و غیر صریح) است.

نتیجه آزمون فرضیه شماره 3: به نظر می رسد بین ایفای نقش خانوادگی در خانواده های دختران فراری با ایفای نقش خانوادگی در خانواده های دختران غیر فراری تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره 3: مقایسه دو گروه دختران فرار و غیر فرار از نظر میزان ایفای نقش های خانوادگی

سطح معناداری	df	T	دختران غیر فرار			دختران فرار		
			انحراف استاندارد	میانگین ایفای نقش های خانوادگی	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین ایفای نقش های خانوادگی	تعداد
0/000	148	-12/098	3/5	19/8	75	3	26/4	75

میانگین نمره خرده مقیاس نحوه ایفای نقش های خانوادگی در خانواده دختران غیر فرار، 19/8 و در خانواده دختران فرار 26/4 است که اختلاف میانگین حاصله (6/6-) معنادار می نماید، چرا که آزمون T محاسبه شده (7/532) در سطح خطای 0/05 معنادار است. لذا با 95 درصد اطمینان می توان گفت که بین خانواده های دختران غیر فرار و دختران فرار، از لحاظ نحوه ایفای نقش های خانوادگی تفاوت معناداری وجود دارد و اعضای خانواده های دختران غیر فرار نسبت به دختران فرار، نقش های خانوادگی خود را مؤثرتر ایفا می کنند. چرا که در مقیاس حاضر، کسب نمره بالاتر بیانگر ایفای غیر مؤثرتر نقش های خانوادگی است.

نتیجه آزمون فرضیه شماره 4: به نظر می رسد بین پاسخگویی عاطفی در خانواده های دختران فراری و خانواده های دختران غیر فراری تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره 4: مقایسه دو گروه دختران فرار و غیر فرار از نظر میزان پاسخگویی عاطفی

سطح معناداری	df	T	دختران غیر فرار			دختران فرار		
			انحراف استاندارد	میانگین پاسخگویی عاطفی	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین پاسخگویی عاطفی	تعداد
0/000	148	-9/684	3/5	19/8	75	3	26/4	75

75	20/8	3/3	75	15/7	3
----	------	-----	----	------	---

میانگین نمره خرده مقیاس نحوه پاسخگویی عاطفی در خانواده دختران غیرفرار، 15/7 و در خانواده دختران فرار 20/8 است که اختلاف میانگین حاصله (5/1-) معنادار می‌نماید چرا که مقدار آزمون T محاسبه شده (9/684-) در سطح خطای 0/05 معنادار است. لذا با 95 درصد اطمینان می‌توان گفت که بین خانواده های دختران غیرفرار و فرار، تفاوت معناداری از لحاظ وضعیت پاسخگویی عاطفی به اعضا وجود دارد و اعضای خانواده های دختران غیرفرار نسبت به دختران فرار، پاسخ های عاطفی مؤثرتری به یکدیگر می‌دهند. چرا که در مقیاس حاضر، کسب نمره بالاتر بیانگر پاسخگویی عاطفی غیر مؤثر به اعضای خانواده است.

نتیجه آزمون فرضیه شماره 5: به نظر می‌رسد بین مشارکت عاطفی در خانواده های دختران فراری با خانواده های دختران غیر فراری تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره 5: مقایسه دوگروه دختران فرار و غیر فرار از نظر میزان مشارکت عاطفی

سطح معناداری	df	T	دختران غیر فرار			دختران فرار	
			میانگین	انحراف	تعداد	میانگین	تعداد
0/000	148	-10/099	مشارکت عاطفی	انحراف استاندارد	75	مشارکت عاطفی	26
			18/4	3/8	75	26	75

میانگین نمره خرده مقیاس نحوه مشارکت عاطفی در خانواده دختران غیرفرار، 18/4 و در خانواده های دختران فرار 26 می‌باشد که اختلاف میانگین حاصله (7/6-) معنادار می‌نماید، چرا که آزمون T محاسبه شده (10/099-) در سطح خطای 0/05 معنادار است. لذا با 95 درصد اطمینان می‌توان گفت که بین دختران غیرفرار و دختران فرار، تفاوت معناداری از لحاظ وضعیت مشارکت عاطفی اعضای خانواده وجود دارد و خانواده های دختران غیر فرار نسبت به دختران فرار، مشارکت مؤثرتری دارند. چرا که در مقیاس حاضر، کسب نمره بالاتر بیانگر مشارکت عاطفی غیر مؤثر به اعضای خانواده است.

نتیجه آزمون فرضیه شماره 6: به نظر می رسد بین کنترل رفتار در خانواده های دختران فراری و خانواده های دختران غیر فراری تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره 6: مقایسه دو گروه دختران فرار و غیر فرار از نظر میزان کنترل رفتار

سطح معناداری	df	T	دختران غیر فرار			دختران فرار		
			انحراف استاندارد	میانگین کنترل رفتار	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین کنترل رفتار	تعداد
0/000	148	9/791	4	19	75	3/5	25/2	75

میانگین نمره خرده مقیاس میزان کنترل رفتار اعضای خانواده در خانواده دختران غیرفرار، 19 و در خانواده های دختران فرار 25/2 است که اختلاف میانگین حاصله (6/2) معنادار می نماید، چرا که مقدار آزمون T محاسبه شده (9/791) در سطح خطای 0/05 معنادار است. لذا با 95 درصد اطمینان می توان گفت که بین دختران غیر فرار و دختران فرار، تفاوت معناداری از لحاظ میزان کنترل رفتار اعضای خانواده وجود دارد و خانواده های دختران فرار نسبت به دختران غیر فرار، روش ناکارآمدتری (غیرمؤثرتری) برای کنترل رفتار دارند، چرا که در مقیاس حاضر، کسب نمره بالاتر بیانگر کنترل غیرمؤثر رفتار اعضای خانواده است.

نتیجه آزمون فرضیه شماره 7: به نظر می رسد بین کارآیی عمومی خانواده های دختران فراری با خانواده های دختران غیر فراری تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره 7: مقایسه دو گروه دختران فرار و غیر فرار از نظر میزان کارآیی عمومی خانواده

سطح معناداری	df	T	دختران غیر فرار			دختران فرار		
			انحراف استاندارد	میانگین کارآیی عمومی	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین کارآیی عمومی	تعداد
0/000	148	4/412	5/3	26/4	75	5	38/7	75

میانگین نمره مقیاس کارآیی عمومی خانواده در خانواده دختران غیرفرار، 26/4 و در خانواده های دختران فرار 38/7 است که اختلاف میانگین حاصله (12/3) معنادار می‌نماید، چرا که آزمون T محاسبه شده (14/412) در سطح خطای 0/000 معنادار است. لذا با 95 درصد اطمینان می‌توان گفت که بین دختران غیرفرار و دختران فرار، تفاوت معناداری از لحاظ کارآیی عمومی خانواده وجود دارد و خانواده های دختران فرار نسبت به دختران غیر فرار، کارآیی عمومی غیرمؤثرتری (ناکارآمدتری) دارند. چرا که در مقیاس حاضر، کسب نمره بالاتر بیانگر کارآیی عمومی غیرمؤثرتر (ناکارآمدتر) خانواده است.

جدول شماره 8: توزیع میانگین و اختلاف میانگین ها و آماره های خرده مقیاس های هفت گانه در گروه آزمایش و گواه

نام مقیاس	میانگین دختران فرار	میانگین دختران غیر فرار	اختلاف میانگین	آزمون T	سطح معناداری
توانایی حل مساله	17/7	12	5/7	11/924	0/05
ارتباطات	18/8	15	3/8	7/548	0/05
ایفای نقش های خانوادگی	26/4	19/8	6/6	12/598	0/05
پاسخگویی عاطفی	20/8	15/7	5/1	9/684	0/05
مشارکت عاطفی	26	18/4	7/6	10/099	0/05
کنترل رفتار	25/2	19	6/2	9/791	0/05
کارآیی عمومی خانواده	38/7	26/4	12/3	14/412	0/05

با توجه به داده های جدول فوق می توان گفت از میان هفت خرده مقیاس عملکرد کلی خانواده، اختلاف میانگین بین دختران فرار و غیرفرار در خرده مقیاس کارایی عمومی خانواده و مشارکت عاطفی بیش از سایر خرده مقیاس ها است. کمترین اختلاف میانگین در گروه آزمایش و گواه مربوط به خرده مقیاس نوع ارتباطات است.

تحلیل چند متغیری (رگرسیون چند متغیری)

برای تحلیل جامع پدیده فرار دختران از خانه و ارزیابی ارتباط پیچیده میان متغیرهای مؤثر بر آن از تحلیل چندمتغیری استفاده شده است. با روش رگرسیون چندمتغیری به تبیین و پیش بینی تغییرات پدیده فرار دختران از طریق متغیرهای مستقل پرداخته شد تا میزان، نقش و مشارکت هر یک از عوامل عمده در واریانس آن مشخص شود. برای انتخاب متغیرها ابتدا متغیرهای مستقلی که در قسمت جداول تحلیلی ارتباطشان با متغیر وابسته مورد تأیید قرار گرفته بود را انتخاب و متغیرهای مناسب وارد تحلیل شدند.

بر اساس استدلال و مبانی نظری پژوهش، متغیرهای مستقل (خرده مقیاس‌های) «میزان توانایی حل مساله»، «نحوه ارتباطات»، «نحوه ایفای نقش خانوادگی»، «مشارکت عاطفی»، «پاسخگویی عاطفی»، «کنترل رفتار اعضای خانواده» و «کارآیی عمومی خانواده» در بروز پدیده فرار دختران مؤثرند. اما از آنجا که کلیه متغیرهای مستقل فوق، در قسمت جداول دو بعدی رابطه شان با متغیر وابسته تأیید شده بود، کلیه متغیرهای مستقل وارد فرایند تحلیل چند متغیری شدند. با عنایت به اینکه متغیر وابسته پژوهش حاضر، (فرار دختران) از سطح سنجش اسمی برخوردار است، از روش رگرسیون لجستیک استفاده می‌شود.

جدول شماره 9: ضرایب بتا متغیرهای مستقل مؤثر بر فرار دختران

p	T	ضرایب غیر استاندارد		متغیرهای رگرسیون
		Beta	SEB	
0/000	18/493	-	0/111	مقدار ثابت
0/000	14/412	0/421	0/003	کارآیی عمومی خانواده
0/000	6/293	0/211	0/012	ایفای نقش های خانوادگی
0/000	5/582	0/162	0/013	پاسخگویی عاطفی
0/000	13/428	0/145	0/014	توانایی حل مساله
0/000	8/656	0/112	0/009	کنترل رفتار
0/113	0/332	0/033	0/008	مشارکت عاطفی
0/067	0/076	0/006	0/011	ارتباطات

جدول شماره 10: تبیین عوامل مؤثر بر فرار دختران

SE	R ²	R	P	F	MS	df	ss	شاخص مدل	متغیرهای رگرسیون
----	----------------	---	---	---	----	----	----	----------	------------------

				رگرسیون	21/89	1	21/8
شش خرده مقیاس و				باقیمانده	15/602	148	0/105
تأثیر کارآیی عمومی				کل	37/500	149	0/324
خانواده بر فرار دختران							0/584
							0/764
							0/000
							30/052

براساس جدول فوق می‌توان گفت:

- ضریب تعیین 0/58 بدین معناست که نسبتی از واریانس پدیده فرار دختران که متغیرهای پیش بین فوق آن را تبیین کرده اند به اندازه 58 درصد است. آزمون آماری F ، معناداری رابطه به دست آمده را با 95 درصد اطمینان تایید می‌کند.
- به ازای یک واحد تغییر در کارآیی عمومی خانواده، 0/421 واحد تغییر در فرار دختران به وجود می‌آید.
 - به ازای یک واحد تغییر در میزان ایفای نقش های خانوادگی، 0/211 واحد تغییر در فرار دختران به وجود می‌آید.
 - به ازای یک واحد تغییر در میزان پاسخگویی عاطفی، 0/162 واحد تغییر در فرار دختران به وجود می‌آید.
 - به ازای یک واحد تغییر در میزان توانایی حل مساله، 0/145 واحد تغییر در فرار دختران به وجود می‌آید.
 - به ازای یک واحد تغییر در میزان کنترل رفتار، 0/112 واحد تغییر در فرار دختران به وجود می‌آید.

نقش دو متغیر نحوه ارتباطات و مشارکت عاطفی در تبیین متغیر وابسته فرار دختران از منزل، بسیار ناچیز است، به گونه‌ای که مقدار آزمون T ، نقش این دو متغیر را رد می‌کند. جدول فوق نشان می‌دهد که متغیر وابسته فرار دختران از منزل به ترتیب ابتدا از متغیر مستقل کارآیی عمومی خانواده با ضریب بتای 0/421، ایفای نقش‌های خانوادگی با ضریب بتای 0/211، میزان پاسخگویی عاطفی با ضریب بتای 0/162، توانایی حل مساله با ضریب بتای 0/145 و میزان کنترل رفتار با ضریب بتای 0/112 تأثیر می‌پذیرد. فرمول پیش‌بینی متغیر وابسته وضعیت فرار دختران از خانه از متغیرهای پیش بین:

$$Y = 0/421(\text{کارآیی عمومی}) + 0/211(\text{ایفای نقش های خانوادگی}) + 0/162(\text{پاسخگویی عاطفی}) + 0/145(\text{توانایی حل مساله}) + 0/112(\text{کنترل رفتار})$$

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر محقق در پی آن بود که تفاوت عملکرد خانواده دختران فراری با عملکرد خانواده دختران غیرفراری را به لحاظ ویژگی‌هایی چون: حل مسئله، ارتباطات، نقش‌های خانوادگی، پاسخگویی عاطفی، مشارکت عاطفی و کنترل رفتار، کارایی عمومی خانواده مورد مقایسه قرار دهد. لذا فرضیه اصلی پژوهش این بود: «بین عملکرد کلی خانواده دختران فراری با عملکرد کلی خانواده دختران غیرفراری تفاوت معناداری وجود دارد». در این پژوهش هفت بعد عملکرد خانواده از دیدگاه مک مستر به عنوان متغیر مستقل و فرار دختران از منزل به عنوان متغیر وابسته و سن، قومیت به عنوان متغیرهای کنترل انتخاب شده‌اند. جامعه آماری تحقیق، شامل دو گروه خانواده دختران فراری و خانواده دختران غیر فراری (گروه‌های آزمایش و گواه) بودند. روش تحقیق، توصیفی از نوع پس رویدادی (علی-مقایسه‌ای) است. ابزار تحقیق، پرسشنامه مک مستر سنجش عملکرد خانواده (FAD) بود که دارای 53 ماده است و برای ارزیابی عملکرد خانواده تدوین شده است. شیوه نمره گذاری بدین صورت بود که به هر سؤال از 1 تا 4 نمره داده شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین عملکرد کلی خانواده دختران فراری با عملکرد کلی خانواده دختران غیرفراری تفاوت معناداری وجود دارد و از میان هفت خرده مقیاس عملکرد کلی خانواده، اختلاف میانگین بین دختران فرار و غیرفرار در خرده مقیاس کارایی عمومی خانواده و مشارکت عاطفی بیش از سایر خرده مقیاس‌ها است و کمترین اختلاف میانگین در گروه آزمایشی و گواه مربوط به خرده مقیاس نوع ارتباطات است و دختران فراری و خانواده‌هایشان در سازه‌های کارایی عمومی خانواده و ایفای نقش‌های خانوادگی عملکردی پایین‌تر از هنجار جامعه دارند.

پیشنهادها

- با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق یکی از علل اصلی فرار پایین بودن کارایی عمومی خانواده است، لذا اولاً باید آموزش و آگاهی‌های لازم در خصوص شیوه برخورد مناسب با فرزندان و ضرورت توجه به خواسته‌ها و نیازهای آنها به خانواده‌ها داده شود. ثانیاً به مددکاران اجتماعی به صورت قانونی اجازه داده شود که در مواقع لازم برای حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض آسیب در خانواده‌ها مداخله و اقدامات لازم را انجام دهند.

- با توجه به نتایج تحقیق و تحقیقات پیشین، ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله فرار از منزل در روابط نامناسب والدین با نوجوانان و نامناسب بودن محیط خانواده و عملکرد اعضای خانواده نهفته است. بنابراین آموزش مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی به خانواده‌ها، والدین و نوجوانان هنگام مواجهه با مسائل، به تقویت کارکردهای بین فردی خانواده‌های دختران فراری کمک می‌کند. این مهارت‌ها باید شامل مهارت‌های اجتماعی، تعاملات اجتماعی، احساس همدلی، افزایش مهارت‌های محاوره‌ای، مدیریت اضطراب و کنترل خشم، صمیمیت و پذیرش و نحوه ایفای نقش در خانواده و ... باشد.

- مطالبی در زمینه آسیب‌های اجتماعی و پیامدهای آن از جمله فرار دختران از منزل در کتاب‌های درسی مراکز تربیت معلم، و روزنامه‌ها و مجلات کثیرالانتشار و نیز مجلات مربوط به رشد و تربیت گنجانده شود و همایش‌هایی برای والدین و معلمان برگزار شود.

- نتایج به دست آمده از پژوهش در اختیار مسئولان مرتبط با حوزه آسیب‌های اجتماعی و خانواده قرار گیرد تا برای چاره‌جویی و به کارگیری راهکارهای مناسب از آن استفاده کنند.

- حساس‌سازی مسئولان امور اجتماعی استان‌ها و تشکل‌های مردمی به روند رو به رشد فرار دختران از منزل و تأثیر آن بر بروز آسیب‌های اجتماعی دیگر مورد توجه قرار گیرد.

- اعتبارات لازم به اجرای پژوهش‌هایی در زمینه آسیب‌های اجتماعی اختصاص یابد.

- روحیه مشارکت و همکاری هرچه بیشتر نهادها و سازمان‌های مرتبط این حوزه با پژوهشگران تقویت شود.

منابع

فارسی

- اعزازي، ش. (1376). **جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- احمدی، ا. (1371). **مسائل نوجوانان و جوانان**. تهران: انتشارات ترمه.
- پارسونز، ت. (1374). **جامعه‌شناسی خانواده**. ترجمه وحید اعزازي. تهران: نشرامید.
- ثنایی، ب. (1379). **مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج**. تهران: انتشارات بعثت.
- حمیدی، ف.، افروز، غ.، کیامنش، ع. و رسول زاده طباطبایی، ک. (1383). **بررسی ساخت خانواده دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آن**. فصلنامه روانشناسی. تابستان، شماره 30: 114-127.

- زواره‌ای، ف. (1380). بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی موثر بر فرار دختران از خانه. رساله کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ساروخانی، ب. (1371). روش تحقیق نظری. تهران: نشر سبحان.
- ساروخانی، ب. (1370). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: نشر سیروس.
- ساروخانی، ب. (1371). روش تحقیق نظری. تهران: نشر سبحان.
- شعاری نژاد، ع. ا. (1375). فرهنگ علوم رفتاری. ویرایش 2. نشر امیرکبیر، تهران
- ضمیری، س. (1388). بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری با فرار دختران از خانه. رساله کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- کلیاتی در خصوص مرکز مداخله در بحران‌های اجتماعی. (1380). تهران: دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی.
- فتحی، م. (1382). بررسی عوامل موثر بر فرار دختران از خانه. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- میلر، د. چ. (1384). راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی.
- محسنی، م. (1373). مقدمات جامعه‌شناسی. تهران: نشر دوران.
- نوابی نژاد، ش. (1379). مشاوره ازدواج و خانواده درمانی. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

انگیزی

Epstein, N; Baldwin, L. & Bishop, D. (1983). **The McMaster and family assessment device**. *Journal of Marital and Family Therapy*. Vol 9, No. 2, pp.171-180. Retrieved August 16, 2011, From http://www.ntnu.no/c/document_library/get_file?uuid=cd377890-a31d-4692-a9b8-47c563844862&groupId=10293